

همبستگی فمینیستی ضداستعماری و سیاست مکان: زنان جمهوری خواه ایرلند و مبارزات رهایی بخش در فلسطین

آزاده ثبوت

در این مقاله تلاش کرده ام به مقاومت فلسطین از منظر زنان فمینیست و جمهوری خواه ایرلند نگاه کنم و با واکاوی مکان آنها درنسبت با فلسطین، دریچه ای برای اندیشیدن به مسئله همبستگی فمینیستی فرا ملی بگشایم.

ماهی یک بار با رفقای سوسیالیست ایرلندی دور هم جمع می شویم و از زنان انقلابی ایرلند می خوانیم. در آخرین پنجشنبه کتابخوانی مان، کتاب زندگی نامه خودنوشت الیزابت گورلی فلین از پیشروان جنبش حقوق مدنی را خواندیم. او در خانواده ای بزرگ شده بود که بحث و گفتگو درباره ظلمی که مردم فقیر با آن مواجه بودند، همواره جریان داشت. خانواده فلین هر هفته با فرزندان خود در باشگاه سوسیالیست هارلم حضور می یافتند. در حالی که خواهر و برادر فلین به بازی سرگرم بودند، او در جلسات می نشست و با بزرگسالان وارد بحث سیاسی می شد. فلین اولین سخنرانی عمومی خود با عنوان "سوسیالیسم برای زنان چه خواهد کرد." را در سن ۱۵ سالگی ایراد کرد. میراث ایرلندی فلین میراثی از سرسختی و رهبری در برابر ظلم و ستم بود که در کودکی درباره اش آموخته بود. او در زندگی نامه خود می نویسد: «آگاهی از ایرلندی بودن در کودکی از طریق آوازه های غم انگیز و داستان های قهرمانانه به ما رسید. مردم ایرلند جنگیدند تا سرزمین بومی خود را از زمین داران خارجی پس بگیرند، به زبان مادری خود سخن بگویند، در کلیسای مورد نظر خود عبادت کنند، مدارس خود را داشته باشند و مستقل و خودگردان باشند. تنفر سوزان از حاکمیت بریتانیا از کودکی و با شیر مادرمان به ما می رسید.»^۱

در ایرلند، زنان زیادی در مبارزه برای یک ایرلند متحد و آزاد از سلطه بریتانیا مشارکت داشتند. بیشتر زنان جمهوری خواه، فمینیست بودند. آنها برای اینکه برابر در نظر گرفته شوند همزمان با استعمار بریتانیا و مناسبات مرد سالارانه در جنبش رهایی بخش ایرلند می جنگیدند. در درون جنبش جمهوری خواهی موقعیت آنها به مراتب شکننده تر از مردان بود. آنها استانداردهای دوگانه جنسیتی را زمانی که به آنها گفته

¹ es/curricular/2010-2011/ageofirony/aoizine/josie.html

می شد به اعتراضات خود پایان دهند، یا اجازه دهند مردان بار اعتصاب غذا را به دوش بکشند احساس می کردند. آنها اما حاضر نشدند در خانه هایشان بیکار بنشینند و منتظر باشند تا مردانشان آنها را نجات دهند. با وجود همه خطر ها، آنها مشتاق و مایل بودند که خود نجات دهنده باشند.

زنان فمینیست و جمهوری خواهی چون بریجید شیل ماکوسکی^۲، برنات دولین^۳، مارد فارل^۴ هر کدام به طیفی از مبارزه ضد استعماری در ایرلند تعلق داشتند. مارد فارل مبارزه مسلحانه را انتخاب کرد و رهبری زنان زندانی جمهوری خواه را در زندان آرم^۵ به عهده داشت. او به اعتصاب غذایی که بابتی ساندز^۶ آغاز کرده بود پیوست و در سال های بعد توسط نیروهای ارتش بریتانیا کشته شد. بریجید شیل ماکوسکی از کنش گران ارتش رهایی بخش ایرلند بود و حزب سوسیالیست جمهوری خواه ایرلند را بنیان گذاشت. برنات دولین مبارزه مدنی را انتخاب کرد و در سن بیست و دو سالگی جوان ترین عضو پارلمان بریتانیا شد .

در طول سال های حاکمیت نظامی بریتانیا، با کنترل شدیدی که بر رفت و آمد مردان در سطح شهر اعمال می شد، این زنان بودند که با گذشتن از ایست های بازرسی عملیات های مخفی را انجام می دادند. خانواده ایرلندی در خاطرات شان تعریف می کنند که مادرها و مادر بزرگ ها در حالی که کالسکه کودکان را هل می دادند اخبار محرمانه و سلاح را برای مبارزان از یک گوشه به گوشه دیگر شهر منتقل می کردند. آن سال ها زنان بسیاری خانه های خود را به مخفیگاه اسناد و ملاقات های سری تبدیل کرده بودند و با وجود کنترل شدید ده ها هزار سرباز انگلیسی، شبکه خانه های امنی را در سراسر کشور برای پناه دادن به چریک های جمهوری خواه و مردان تحت تعقیب گسترانده بودند. برخی از این زنان، به مجلس راه یافتند و اعتراضات سیاسی را ساماندهی کردند. برخی دستگیر، زندانی و کشته شدند. برخی از آنها که در فعالیت های مسلحانه شرکت داشتند توسط مطبوعات و مردم به شدت مورد انتقاد قرار گرفتند، و از سوی جنبش های فمینیستی طرد شدند. این زنان در جنبش جمهوری خواهی ایرلند نقش تعیین کننده ای داشتند و در خط مقدم ایرلند جدیدی بودند که هنوز در حال ساخته شدن است.

من در گفتگوهایم با این زنان اغلب دریافته ام که آنها خود را ملزم به انتخاب میان جمهوری خواهی یا فمینیسم نمی دانستند. بلکه فمینیسم خود را از طریق جمهوری خواهی شان نشان می دادند. برای آنها جمهوری خواهی و آزاد سازی سرزمین یک مطالبه فمینیستی بود و جریان فمینیسم جمهوری خواهانه ای که در ایرلند شکل گرفت در بطن یک مبارزه ضد استعماری. من دیده ام که چگونه اعتقاد قلبی این زنان به مریم مقدس بر هنجارها و زنانگی آنها تأثیر گذاشته است و اقتدار قابل توجهی به آنها در خانواده بخشیده

² Brigid Sheils Makowski

³ Bernadette Devlin-McAliskey

⁴ Mairéad Farrell

⁵ HM Prison Armagh

⁶ Bobby Sands

است. همچنین شاهد بوده ام که این زنان چگونه در جایگاه مادر باورهای جمهوری خواهانه خود را به فرزندان‌شان منتقل کرده اند.

وقتی از برنات دولین پرسیده شد که آیا او هرگز خشونت را در سال‌های جنگ استعماری ایرلند توجیه می‌کند، پاسخ داد:

من هرگز خشونتی بر نیانگیخته‌ام. من هرگز آغاز کننده خشونت نبوده‌ام اما می‌توانم این واقعیت اجتناب‌ناپذیر را درک کنم و در زمان رویداد خشونت، ضعیف‌ترین فرد یک مبارزه را محکوم نخواهم کرد. من از جنگ بیزارم، هیچ خیری از آن حاصل نمی‌شود. اما اگر می‌خواهیم در مورد اینکه کجا باید متوقف می‌شود گفتگو کنیم، باید از همان جایی که شروع می‌شود متوقف شود.

او افزود: "پس آیا من با خشونت مخالفم؟ آری. آیا من یک پاسیفیست (کسی که جنگ را در هر شرایطی غیر مجاز می‌داند) هستم؟ خیر^۷"

برنات دولین به مدت نیم قرن یک چهره برجسته و شناخته شده در جنبش جمهوری خواهی در ایرلند بوده است. او پنجاه سال هم هست که از سرمایه اجتماعی خود برای دفاع از حقوق سیاهان، فلسطینی‌ها و سایر ملل تحت ستم استفاده کرده است. من از نزدیک شاهد مبارزه پرشور او در دفاع از حقوق کارگران و پناهجویان بوده‌ام و صراحت‌مثال زدنی‌ش را در محکوم کردن سیاست‌های مهاجرتی نژاد پرستانه در جلسات رسمی با نمایندگان وزارت کشور بریتانیا دیده‌ام. او در هفته‌های پیش در یک راهپیمایی صد هزار نفری در دوبلین یکی از تاریخی‌ترین سخنرانی‌های خود را ایراد کرد و با جسارت همیشگی‌اش خطاب به دولت ایرلند گفت:

"فلسطین، امروز آزمونی برای انسانیت ما ست، آزمونی برای کشور ما ست و آزمونی برای سیاست ما ست. ایرلندی‌های هم نسل من، و آن دسته از ما که از شمال می‌آییم می‌دانیم تروریست خواندن کل یک جامعه یعنی چه، می‌دانیم وقتی تمام یک جامعه مجرم تعریف می‌شود یعنی چه. چگونه کسی می‌تواند تاریخ این کشور را فراموش کند؟ زمانی که ما در اینجا برای استقلال خود می‌جنگیدیم، جنگ ما قانونی نبود. آن زمان که ما هیچ جایگاهی نداشتیم چرا که دولتی از آن خود نداشتیم، این سیاهان بودند که در دفاع از ما در سازمان ملل متحد صدایشان را بلند کردند. امروز هم آمریکا و بریتانیا و فرانسه به تروریست نامیدن گروه‌های فلسطینی و لبنانی و یمنی مشغولند اما کسی باید به یادشان بی‌آورد آمریکا توسط افرادی تأسیس شد که بریتانیا آن‌ها را تروریست می‌خواند، جمهوری فرانسه توسط افرادی تشکیل شد که پیشتر به

⁷ Jacobsen, L., 2020. *Women for Ireland: Republican Feminism in the Northern Ireland Troubles*. St. John's University (New York).

آنها تروریست می گفتند. باید جلوی این مزخرفات را بگیرید. آیا فکر کرده اید که قانون شما قویتر از زندگی و آزادی مردم است؟ خیر. من به مردم فلسطین می گویم تا زمانی که شما تاب بیاورید و مقاومت کنید، ما کنار شما ایستاده ایم و با شما تاب می آوریم و مقاومت می کنیم، به امید فلسطین آزاد!^۸

برنات دولین با نور تاباندن بر تاریخ مبارزات ضد استعماری در ایرلند به یادمان می آورد که استعمارگر نه تنها درصدد پاکسازی قومی و استثمار اجتماعی و اقتصادی است بلکه با تحمیل نظام فکری و معرفتی خود به میدان مبارزه، یک هژمونی سیاسی و اخلاقی تعریف می کند تا از قبل زمینه‌ای برای محکومیت هر گونه مقاومت فراهم شود. اینکه "هر مقاومتی از سوی فلسطینی ها با سرکوب مواجه می‌شود؛ بایکوت و خروج سرمایه و مقاومت اقتصادی برچسب سامی‌ستیزی و تروریستی بودن می‌خورد. رفتن به سراغ دادگاه کیفری بین‌المللی یا دیوان بین‌المللی دادگستری از سوی سیاستمداران اسرائیلی تروریسم حقوقی نامیده می‌شود؛ و حتی نوشتن، کار فرهنگی یا کنشگری دانشجویی یک‌جور تروریسم فکری تلقی می‌شود" (طارق بقعونی، ترجمه سید سجاد هاشمی نژاد)، به یادمان می آورد که مسأله در این‌جا مقاومت است. مسأله این‌جاست که ملل تحت استعمار هیچ گاه حقی برای مقاومت نداشته‌اند. اینجاست که برنات دولین با به چالش کشیدن مفاهیم تحمیل شده از سوی قوانین و مقررات استعماری، سخن نادره شلهوب کوارکیان^۹، محقق و فمینیست فلسطینی را در گوش هایمان طنین می‌اندازد که می‌گفت در سرزمین های فلسطینی قانون به ابزار ظلم تبدیل شده است و استعمار در همه جا به صورت قانونی انجام می‌شود.

فمینیست های ایرلندی همچون برنات دولین، مارد مک گوآر^{۱۰}، پاتریشیا مک کئون^{۱۱} و آیلین رونی^{۱۲} مبارزه علیه استعمار را به نحو سیاسی و اجتماعی و نه صرفاً به نحو انتزاعی یا فلسفی می‌فهمند. از این رو مواضع آنها از درون نیروهای سیاسی، فشارها و تضادهای گروه های اجتماعی فرودست و به حاشیه رانده شده پدیدار می‌شود. آنها نسبت به قدرت، سلطه و نابرابری که در گفتمان استعماری نمود پیدا می‌کند و یا بازتولید می‌شود حساس هستند و به ساخت اجتماعی ادعاهای معرفتی و اینکه چگونه این ادعاها به اعمال قدرت پیوند خورده‌اند توجه می‌کنند. برنات دولین در سخنرانی اخیرش به یادمان می‌آورد که استعمارگران همیشه کوشیده‌اند تا از جنبش‌های ضد استعماری سیاست‌زدایی کنند و آنها را به گروه

⁸ <https://www.youtube.com/watch?v=oYGz32OAGto>

⁹ <https://www.youtube.com/watch?v=r9RAGm-lIXI&t=2581s>

¹⁰ Mairead Maguire کنشگر صلح ایرلندی که به خاطر فعالیت هایش در پیشبرد صلح در ایرلند شمالی در سال ۱۹۷۶ برنده جایزه صلح نوبل شد.

¹¹ Patricia McKeown دبیر منطقه ای اتحادیه های تجاری در ایرلند و از اعضای شبکه اتحادیه های تجاری برای فلسطین که بایکوت، تحریم و واگذاری کالاها و خدمات اسرائیلی در ایرلند را ترویج می‌کنند.

¹² Eilish Rooney

محقق برجسته و کنشگر ایرلندی و از پیشگامان عرصه عدالت انتقالی محلی است. او در طی سال ها کار با گروه های زنان آسیب دیده از جنگ استعماری در شمال بلفاست، مجموعه سازوکارهایی را برای مستند سازی عدالت انتقالی در دوران گذار طراحی کرده است.

هایی تروریستی تقلیل دهند در حالی که این جنبش ها همه از دل مطالباتی سیاسی و بر حق برآمده اند. غسان کنفانی نویسنده، رمان نویس و مبارز فلسطینی سال ها پیش گفته بود: "آنچه در فلسطین اتفاق می افتد یک جنگ داخلی نیست. یک جنبش آزادی بخش است و مردمی که برای بدست آوردن حقوق خود از استعمارگران شان و از قدرت های امپراتوری می جنگند."^{۱۳}

بخشی از تحقیقات، نوشته ها و تدریس من در حوزه استعماریت^{۱۴}، مبارزات جنسیتی و سیاست های روزمره زندگی است. من از تبادل دانش با ملت های اشغال شده و مقاوم در برابر استعمار بسیار آموخته ام. اینکه ایرلندی ها، فلسطینی ها و کشمیری ها چگونه میان مبارزات رهایی بخش متنوع خود در برابر خشونت دولتی، استعماری و نژادپرستانه ارتباط برقرار می کنند. این که کشمیری ها چگونه از آزادی و حق بازگشت فلسطینی ها به سرزمینشان حمایت می کنند و بالعکس. من همچنین به ابعاد مختلف حمایت اخلاقی، فکری، سیاسی و معنوی از آزادی های یک مردم فکر کرده ام و شاهد همبستگی های تاریخی، زیبا، شجاعانه و آینده محوری که برای باز پس گیری زمین، زندگی و کرامت انسانی تلاش می کنند بوده ام. درک من از استعمار ماندگار^{۱۵} از نوشته های محققان فلسطینی و ایرلندی و از گفتگو و همزیستی با آدم های معمولی این دو جغرافیا تأثیر می پذیرد. به عنوان یک فمینیست فرامرزی که سالیان طولانی از جنبش های زنان در کشورهای مختلف آموخته است، به این می اندیشم که چطور هر جغرافیا و میدان مبارزه ای، آگاهی فمینیستی متفاوتی را خلق می کند. این روزها بیش از هر زمان به تفاوت ها و شباهت ها، ویژگی ها و نسبت های میان این فمینیسم های ناهمگون و همبستگی های جهانی فکر می کنم. اینکه چطور گروه های فمینیست ایرلندی همچون جنبش فمینیستی سوسیالیستی رُزا^{۱۶}، مادران علیه نسل کشی^{۱۷} و مردم صلح^{۱۸} تلاش می کنند حاشیه ها را به عنوان مرکز خود انتخاب کنند و مساله فلسطین را از منظر یک انسان فلسطینی درگیر استعمار و نسل کشی ببینند، در حالی که گفتمان فمینیستی رایج در ایران هنوز نتوانسته است انسان فلسطینی را در مرکز مساله خودش قرار دهد. در حلقه های فمینیستی فارسی اغلب به

¹³ <https://www.palestine-studies.org/en/node/1654463>

¹⁴ Coloniality

¹⁵ Settler Colonialism استعمار مستعمره نشین یا استعمار ماندگار

مردمی از سرزمین مادری شان، از خانه هایشان رانده می شوند تا یک «دولت مملت» جدید شکل بگیرد. این تعریف کلی استعمار مستعمره نشین ها است. در یک پروژه استعماری که به دنبال حذف مردم بومی برای جایگزینی با مهاجران استعمارگر است، تداوم و حفظ یک جامعه استعماری در قلمرو سلب مالکیت و حذف فرهنگی، اجتماعی و فیزیکی جمعیت بومی ممکن می شود، روندی که در ایالات متحده، کانادا استرالیا، زلاند نو، ایرلند و اسرائیل اتفاق افتاده است. پاتریک وُلَف که او را به عنوان بنیانگذار نظریه استعمار مستعمره نشین می شناسند از نوادگان خانواده های کاتولیک ایرلندی و یهودی آلمانی بود. او ادبیات نقادانه ای خلق کرد و برای نخستین بار به مردم بومی این امکان را بخشید تا تجربه زندگی خود را در سرزمین هایی که از آنها ربوده شده است فهم پذیر کنند و به کسانی هم که در آن سرزمین ها ساکن شده امکان داد تا جایگاه خود را در آن سرزمین به سرعت رفته تغییر دهند.

در این پارادایم، استعمار ماندگار یک ساختار است نه یک رویداد، و حذف انسان بومی به عنوان یک "منطق" و یک "عمل" در سطوح مختلف و به طرق متعدد عمل می کند تا سیستم های زندگی و سرزمینی را از بین ببرد. این پارادایم به مستعمره نشینان امکان می دهد که به عنوان بخشی از این فرآیند حذف، ماتریس قانونی، جغرافیایی و اجتماعی خانه های جدید خود را بازنویسی کنند. همچنین به آنها امکان می دهد با عادی سازی امتیازات و شیوه های خشونت، هویت خود را پنهان کنند (و حتی فراموش کنند) و بومی شوند.

¹⁶ <https://rosaireland.nationbuilder.com/>

¹⁷ <https://www.instagram.com/mothersagainstgenocide/>

¹⁸ <https://www.facebook.com/peacepeople>

زنان فلسطینی به عنوان زنانی جنگ زده ارجاع داده می شود و به مشکلات آنها به مثابه بحرانی بشردوستانه پرداخته می شود. این گفتمان پیوسته از لزوم رهایی زنان فلسطینی سخن می گوید اما خود را ملزم به خواندن اندیشه های آنان نمی داند، به زنان فلسطینی اندیشنده ارجاع نمی دهد و اندیشه آنها را قابل گفتگو نمی داند. محدود گروه هایی هم که از کنش های مقاومت مندانه و انقلابی زنان در فلسطین سخن می گویند فمینیسم انقلابی شان در فیگور لیلا خالد منجمد شده است و نسبتی با مبارزات انقلابی زنان در لحظه کنونی ندارند. این گفتمان، به طرز معناداری درباره مبارزات و مقاومت های زنان فلسطینی ساکت است و آنها را قربانیان محضی نشان می دهد که نیاز به نجات دهنده دارند. مریم الدوساری^{۱۹} توضیح می دهد که چرا این رویکرد بخشی از یک الگوی نگران کننده است. شکلی از فمینیسم که به ساختارهای قدرت استعماری و امپریالیستی در هم تنیده شده و با سیاست زدایی از یک جنبش رهایی بخش ضد استعماری، از مردان فلسطینی تصویری تروریستی می سازد و زنان و کودکان و افراد کوئیر را به موارد بشر دوستانه تقلیل می دهد. جریانی که احساس می کند برای محکوم کردن خشونت اسرائیل، باید ابتدا مقاومت فلسطینی ها را محکوم کند بی توجه به اینکه در سرزمین اشغالی این مردم اشغال شده اند که حق دفاع از خود را دارند، نه اشغالگر. فمینیست ایرلندی می داند که محکوم کردن همه چیز و عقب نشینی ممکن است به نظر اخلاقی برسد، اما این گونه مواضع چیزی جز یکسان سازی مستعمره شده با استعمارگر نیست. یکسان سازی که در خدمت تقویت ساختارهای قدرت است و چرخه خشونت را تداوم می بخشد.

رمزی بارود، روزنامه نگار فلسطینی و سردبیر نشریه پلستاین کرونیکل^{۲۰} در روزهای آغازین نسل کشی گفت:

" بیایید صادق باشیم، شما فلسطینی ها را تنها وقتی که قربانی هستند دوست دارید. سال ۲۰۲۲ خشونت بار ترین سال علیه فلسطینی ها در کرانه باختری بود. سال ۲۰۱۴ مخرب ترین جنگ در تاریخ جنگ های غزه بود شما برای احساس راحتی خودتان دوست دارید تصاویر قربانیان فلسطینی را در تلویزیون و شبکه های اجتماعی نمایش دهید بدون اینکه آنها قوانین خاصی که شما برایشان گذاشته اید را زیر پا بگذارند. فلسطینی به عنوان مبارز برای شما مساله ساز است. مردمان غرب و حتی خاورمیانه دوست دارند فلسطینی ها را به مثابه یک قربانی ببینند. پناهندگانی قربانی که در اردوگاه های آوارگان زندگی می کنند و در انتظار کمک های بشر دوستانه هستند. هدف غایی مقاومت فلسطین این است که نشان دهد ما قربانی نیستیم، نمی خواهیم قربانی باشیم تا از نظر سیاسی به نفع شما باشد. نمی خواهیم قانونی را بپذیریم که برای همیشه ما را قربانی می خواهد. ما بیش از قربانیان محض هستیم، ما می خواهیم در شکل دادن به آینده

19

20 <https://www.palestinechronicle.com/>

خودمان سهمی داشته باشیم. مردم غزه خود را به مثابه قربانی نمی بینند، آنها افرادی هستند که خود را درگیر یک کنش مقاومت مندانه می بینند. بله ممکن است ما را قربانی کنید، اما نه، ما هرگز نقش قربانی را نخواهیم پذیرفت، ما بزرگتر از این هستیم، ما مبارز هستیم و به هر طریق ممکن مقاومت می کنیم."

هم نظر با رمزی بارود دکتر عایشه خان، پژوهشگر پسا استعمار می گوید: «مردم ترجیح می دهند که ما را به عنوان یک جنازه ببینند تا مبارزان آزادی. آنها دایما به ما می گویند: "فلسطین آزاد باد!" خب، اما آیا می دانید برای آزادی فلسطین چه باید کرد؟ جهان به دیدن اجساد گرسنه، نحیف، کتک خورده، خون آلود، مثله شده، بی دست و پا، بی سر، مرده و پوسیده ما که روی صفحه نمایش قرار می گیرند عادت کرده است - این یک خبر "عادی" است. با این حال، اگر جرأت کنیم در برابر نابودی خود به هر طریقی که واقعاً وضعیت خشونت آمیز موجود را تهدید می کند مقاومت کنیم، به عنوان متجاوز معرفی خواهیم شد. برای جلب هرگونه همدردی جهانی، همیشه ابتدا مجبوریم کسانی از خودمان را محکوم کنیم. این مناسبات قدرت در پوشش رسانه ای از جنایات هولناک غزه که توسط رژیم استعماری صهیونیستی به عنوان بخشی از نسل کشی و اشغال ۷۵ ساله فلسطین در غزه رخ می دهد، آشکار است. رسانه ها به طور انتخابی «زنان و کودکان» را به عنوان قربانیان درمانده، مطیع و منفعل یک «بحران انسانی» مبهم یا تراژدی بی نام برجسته می کنند. حال آنکه پسران و مردان به عنوان "تروریست هایی" شیطانی شناخته می شوند، در حالی که مرگ، روایت ها و رنج آنها به طور استراتژیک پاک می شود تا نسل کشی را تسهیل کند."^{۲۱}

" در رویارویی با نسل کشی چگونه می توانیم فمینیسم را تمرین کنیم؟ " این پرسشی است که سارا احمدود فمینیست و انسان شناس فلسطینی^{۲۲} طرح می کند. به باور او گفتن حقیقت به عنوان یک فمینیست در این لحظه مستلزم رد روایت های استعماری و باز پس گیری جسورانه قدرت و خلاقیت نیروی زندگی است که همیشه به عنوان زنان بومی در اختیار داشته ایم و پرورش داده ایم، قدرتی که همیشه در خدمت از بین بردن استعمار مستعمره نشینان و جنگ نسل کشی بوده است. همچنین، گفتن حقیقت تقویت کننده بینش ما برای آزادی و کرامت است. سارا احمدود در شرح جنبش های فمینیستی بومی فلسطین می گوید: " هنگامی که در مورد شرایط زنان فلسطینی صحبت می کنیم، در مورد زنان بومی صحبت می کنیم که در یک پروژه مستعمره نشین برای بازسازی زندگی فردی و اجتماعی خود مقاومت می کنند. استعمار مستعمره نشین بر منطبق حذف انسان بومی شکل گرفته است. پروژه ای است که یک نظام بومی و بافت مردمی آن را

²¹ Khan, A., 2023. Our boys & men deserve to live, not just our women & children

<https://wokescientist.substack.com/p/our-boys-and-men-deserve-to-live>

²² دکتر سارا احمدود انسان شناس فلسطینی - چیکانا است که در تحقیقاتش تجارب زیسته، تاریخ، و مشارکت های سیاسی زنان فلسطینی و فمینیسم فلسطینی را گسترش می دهد. او یکی از اعضای موسس کالکتیو فمینیست فلسطینی و استادیار انسان شناسی در کالج صلیب مقدس در ووستر است.

تخریب می کند تا به جای آن یک موجودیت مستعمره نشین جدید شکل بگیرد. این یک پروژه ساختاری و مستمر است و نه یک رویداد، به همین دلیل است که می گوئیم اتفاقی که در نکت سال ۱۹۴۸ افتاد، آغاز ساختار خشونت آمیزی است که به طور مداوم شرایط را برای زندگی فلسطینی ها در پروژه مستعمره نشینان غیر ممکن می کند. تنها با در نظر گرفتن این چارچوب و خشونت که بر بدن ها و فضاهای زنان فلسطینی در طول زمان و در شکاف های جغرافیایی اعمال می شود می توان جنبش های فمینیستی بومی که در فلسطین شکل گرفته را فهمید. سارا احمدو تأکید می کند که جنسیت و سیاست جنسی عمیقاً با تاریخ خشونت نژادی در اسرائیل گره خورده و در هسته پروژه استعماری مستعمره نشینان قرار گرفته است.^{۲۳}

در یکی از مصاحبه های تاریخ شفاهی که با بازماندگان نکت (نسل اول آوارگان فلسطینی) در لبنان انجام می دادم زن کهنسالی رویداد های سال های آخر زندگی در فلسطین و وقایعی که به آوارگی خانواده اش منجر شده بود را شرح می داد. از او پرسیدم دقیقاً از چه زمانی متوجه شدید که شرایط دیگر عادی نیست؟ گفت: "از زمانی که مجبور شدیم روغن زیتون مورد نیازمان را از مغازه تهیه کنیم. تا پیش از دست دادن زمین های مان خودمان تولید کننده زیتون بودیم و از فروش آن امرار معاش می کردیم. حیات ما به زیتون وابسته بود. زیتون غذای ثابت سفره های ما بود. ما از روغن زیتون در خانه هایمان برای پخت و پز، شست و شو، تسکین درد،^{۲۴} آرایش و مصارف دیگر استفاده می کردیم. حالا روزی رسیده بود که باید زیتون مورد نیاز خود را از مغازه دارها می خریدیم."

زمین برای آن زن فلسطینی چیزی بیش از وسیله ای برای امرار معاش بود. زمین با هستی او گره خورده بود. پاتریک ولف که او را به عنوان بنیانگذار نظریه استعمار مستعمره نشین (ستلر کولونیال ستادیز) می شناسند در اثر بسیار مهمش به نام "استعمار مستعمره نشین و حذف بومی" می نویسد: "زمین زندگی است - یا عبارتی، زمین لازمه زندگی است. بنابراین بازپس گرفتن زمین می تواند در واقع، بازپس گیری زندگی باشد."^{۲۵} پیوند عمیق زنان بومی فلسطین با زمین در ابعاد مختلفی از زیست روزمره آنها رؤیت پذیر است. به عنوان مثال هنر سوزن دوزی (تطریز) زنان در هر منطقه ای متأثر از جغرافیا و مناظر آن منطقه بوده است. زنان فلسطینی آواره از یافا که امروز در اردوگاه ها نقش مزارع پرتقال را سوزن می زنند رابطه خود با زمین را نه به عنوان چیزی در دوردست، بلکه به عنوان مکانی ملموس برای پا گذاشتن دوباره تصور می کنند. برای زندگی که در آن از حق حرکت آزادانه برخوردار باشند، آزاد از حصارها و موانع، عاری از بازرسی، آزاد برای دور هم جمع شدن و گفت و گو کردن، آزاد برای لذت بردن از یک رابطه عمیق با زمین. رابطه ای که بر اساس دوست داشتن است و نه مالک بودن. جنان المطری^{۲۳} داستان سرا و تهیه کننده فلسطینی پس از شکستن حصر غزه در هفت اکتبر نوشته بود:

²³ <https://www.instagram.com/p/CyMVtWSPeuw/>

بسیاری از شما از ما می پرسید "همه اینها برای یک قطعه زمین" ؟ اگر قرار است یک چیز را از جوامع بومی یاد بگیرید - بگذارید این باشد که زمین ها آن طور که برای شما در یک تفکر استعماری به کالا تبدیل شده اند برای ما "قطعات املاک" نیستند. ما زمین هستیم. زمین ما است. ما یکی هستیم. تا زمانی که این را درک نکنید، هرگز مبارزه و مقاومت ما را نخواهید فهمید.

برای انسان بومی قرارداد زمین در مرکز مبارزه دقیقا به معنی مبارزه با تمامی ساختارهای اجتماعی نابرابر و استعماری و نژادپرستانه است. فرانتس فانون این موضوع را به ملموس ترین شیوه در کتاب دوزخیان زمین بیان کرده است: «برای مردم مستعمره، اساسی ترین ارزش و انضمامی ترین مساله در درجه اول زمین است: زمینی که برای آنها نان و بالاتر از همه کرامت به ارمغان می آورد»^{۲۴}. در این بستر است که "فمینیسم فلسطینی به شکلی رادیکال با فرآیند «استعمارزدایی» هدایت می شود و بر اهمیت سیاسی و فوریت جنبش فلسطینی بر رهایی از استعمار تاکید می کند. این فمینیسم با مقاومت در برابر عادی سازی خشونت و سرکوب و هژمونی ایدئولوژی صهیونیستی در تمامی جنبه های زندگی عمومی، به ویژه در فضاهای زنانه رویکرد فمینیستی را بر پایه عدالت تحولی و دانش بومی بازتعریف می کند." (سارا احمد)

رانونا کوکانن محقق حوزه ی فمینیسم بومی و عضو سازمان علوم سیاسی و مطالعات بومی در دانشگاه تورنتو با اشاره به درآمیختگی اندیشه ی فمینیست های اروپای شمالی با نگرش های استعمارگرایانه اذعان می دارد: "جریان های اصلی فمینیستی، آشکارا یا در پرده، مبارزات زنان بومی را به عنوان بخشی از جنبش های فمینیستی نمی پذیرند، یا مبارزات آن ها را در سطوحی پایین تر از این جریان می شناسند؛ مگر اینکه صحنه ی اصلی مبارزاتشان، محدود به برابری جنسیتی باشد. زنان معترض بومی با به نقد کشیدن زنان سفیدپوست لیبرال نشان داده اند که تمرکز انحصاری بر تبعیض های جنسیتی به معنای نادیده گرفتن خشونت های ساختاریافته ای است که در بطن زندگی زنان بازتولید می شوند.

بل هوکس فمینیست و کنشگر اجتماعی آمریکایی در کتاب "انتخاب حاشیه به عنوان یک فضای گشودگی رادیکال" بر اهمیت حاشیه به عنوان مکانی که امکانات رادیکالی را برای تجربه زیسته و شکوفایی در اختیار ما می گذارد تاکید می کند. او از حاشیه های عمیقی نام می برد که در آن می توان ماندن را انتخاب کرد و به تولید مقاومت پرداخت. برای فمینیست های ایرلندی که به همبستگی با فلسطین برخاسته اند، ایستادن در حاشیه یک موقعیت مکان مند معرفت شناسانه و سیاسی است. آنها "حاشیه ها را به عنوان مرکز خود انتخاب می کنند و در حاشیه ی نظریه پردازی فمینیستی مبتنی بر حقوق بشر، در حاشیه حکمرانی شکل گرفته درون نهادهای قدرت که در خدمت منافع غربی است قرار می گیرند" (لیلا ابو لغد). فمینیسم تراملی در ایرلند همیشه ضد استعماری و ضد امپراتوری بوده و متعهد به مبارزات گسترده تر برای عدالت اجتماعی و اقتصادی است. در این چارچوب هم هست که فمینیست هایی چون برنات دولین تاکید می کنند مساله

²⁴ <https://www.goodreads.com/quotes/5008-for-a-colonized-people-the-most-essential-value-because-the>

در فلسطین، «محکومیت جنگ» و «دفاع از صلح» نیست چرا که پای یک استعمار ماندگار، آپارتاید و اشغال نظامی طولانی در میان است. آنها فمینیسم را هم به‌عنوان یک تفکر رهایی‌بخش و هم به‌عنوان کنشی می‌بینند که با بی‌عدالتی و ظلم مبارزه می‌کند و در درجه اول به دنبال اجرای عدالت و از بین بردن عدم تعادل قدرت است. از این روست که تسلیم روایت‌های لیبرال و استعماری از فمینیسم نمی‌شوند و از مردم فلسطین و مقاومت آنها با تمام ابزارهای موجود حمایت می‌کنند.

چاندرا تالپاد موهانتی، نظریه پرداز فمینیست پسااستعماری و فراملی می‌گوید: "مقوله‌های فمینیستی غربی و جهان سوم، مقوله‌های تجسم یافته، جغرافیایی یا فضایی تعریف شده‌ای نیستند. بلکه به فضاها و روش‌های سیاسی و تحلیلی استناد می‌کنند - همانطور که یک زن از جغرافیای جهان سوم می‌تواند گرایش فکریش متأثر از فمینیسم غربی باشد، یک فمینیست اروپایی نیز می‌تواند از فمینیسم جهان سومی تأثیر بپذیرد." در حالی که گفتمان غالب فمینیسم ایرانی با محکومیت‌های فرادستانه حق مقاومت فلسطینیان را به حاشیه می‌راند و همبستگی خود با فلسطین را در نسبت با ستم‌دیدگی و رنج آنها تعریف می‌کند "و نه در مبارزه آنها برای آزادی" (فادی جوده)، گروه‌ها و نهادهای فمینیستی ایرلندی، همبستگی خود را با مقاومت مردم فلسطین به‌عنوان یک مبارزه‌ی آزادی‌بخش ضداستعماری در همه اشکال آن ابراز کرده‌اند. زنان فلسطینی امروز بیش از همیشه تأکید می‌کنند که همبستگی واقعی در دفاع از حق مقاومت کردن آنهاست و در مبارزه‌ی آنها برای آزادی، عدالت و حق تعیین سرنوشت. خالده جرار²⁵ - زن مبارز انقلابی - که برای پنجمین بار به اسارت در زندان‌های اسرائیل در آمده اخیراً در نامه‌ای خطاب به هم‌زمانش در غزه نوشته است: "سال ۲۰۲۳ به عنوان سالی در تاریخ ثبت خواهد شد که در آن ستم‌دیدگان فلسطین شجاعانه در برابر فاشیسم استعماری ایستادند و در دفاع از خانه، انسانیت و جان خود فریاد زدند. آزادی در راه است: زمان نابودی بردگی و خالی کردن زندان‌هاست"

بورسا در مقاله "به سوی یک سیاست مکان: بازاندیشی حاشیه‌بودگی"²⁶ به اهمیت موقعیت مندی و شیوه‌هایی که به میانجی این موقعیت، بازنمایی‌های مشخصی از حال و گذشته تجربه می‌کنیم اشاره می‌کند. من از تلاش او برای تأمل در «فضاها و مکان‌هایی که از گذشتگانمان به ارث می‌بریم، اشغال می‌کنیم و به زندگی ما به چارچوب مشخصی می‌دهند» الهام می‌گیرم. این فضاها، شیوه‌های ما برای دیدن جهان، تعهدات نظری و سیاسی و سرمایه‌گذاری‌های مفهومی ما از جمله شیوه‌هایی که به تحقیقات دیگران استناد می‌کنیم را شکل می‌دهند. اینکه آیا در راستای بخشی از تعهد ما به سیاست انتقادی مکان، در تحقیقات خود به محققانی که در حاشیه‌های آکادمی فضا اشغال کرده‌اند، ارجاع می‌دهیم؟ در طول پنج ماه گذشته عمیقاً به

خالده جرار از رهبران برجسته فلسطین، یک فمینیست، مدافع حقوق بشر و عضو سابق شورای قانونگذاری فلسطین است. 25 او از دهه ۱۹۸۰ در حمایت از اسرای فلسطینی و دفاع از حقوق زنان فعال بوده است. تلاش‌های او در افشای جنایات جنگی اسرائیل در برابر نهادهای بین‌المللی او را به هدف مکرر دستگیری توسط اسرائیل تبدیل کرده است. او اولین بار در مارس ۱۹۸۹ به دلیل شرکت در تظاهرات روز جهانی زن بازداشت شد. او مجدداً در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ دستگیر شد و طی آن ۵ سال را در حبس گذراند

26 Borsa, J., 1990. Towards a politics of location: Rethinking marginality. *Canadian Woman Studies/les cahiers de la femme*.

این سوالات فکر کرده ام که چرا در گفتگوها و متون نوشته شده درباره فلسطین در رسانه های فارسی تجربه انسان فلسطینی دیده نمی شود و در تحلیل های فمینیستی به اندیشه ها و مواضع سیاسی نویسندگان زن و کوئیر فلسطینی ارجاع داده نمی شود.

ما برای رویارویی با جهان به شیوه های خاصی - از طریق آموزش های رسمی و غیررسمی - اجتماعی شده ایم. باید به شیوه هایی که به میانجی آنها خود را به گروه های دیگر منتسب کرده ایم توجه کنیم. به عنوان مثال، آیا ما فمینیست های ایرانی می توانیم بدون مرکز قرار دادن خودمان و ارجاع مدام به حاکمیت سیاسی که در آن زیست می کنیم با فلسطین روبرو شویم؟ آیا ممکن است فلسطین را نه از لنز "ایران" که به مثابه یک موجودیت مستقل ببینیم؟ چطور می توان در این فضای نابرابر تولید اندیشه و سیاست تمهیدی انجامید که دانش های فمینیستی و بومی فلسطین هم شنیده شوند و در گفتگو با آنها اشکال جدیدی از همبستگی شکل بگیرد؟

برای اینکه شکل هایی از همبستگی که عاری از روابط استعماری و استثمارگری هستند خلق کنیم به خود انتقادی مدام نیاز داریم. اینکه کجا زندگی می کنیم، چگونه زندگی می کنیم، رابطه ما با نظام ها و ساختارهای اجتماعی که ما را احاطه کرده اند عمیقا به فعالیت هایی که انجام می دهیم، هویت ما، موقعیت ما و جایگاه ما در یک بستر فرهنگی و بازنمایی گسترده تر مرتبط است. از این رو "کنش های همبستگی باید مدام مورد بازنگری و واکاوی قرار گیرد. همبستگی باید به مثابه یک سرمایه گذاری سیاسی مداوم، یک مسئولیت اخلاقی بدون پاسخ های قطعی، اما در برگیرنده پاسخ های مکانمند، با تمرکز بر صدای انسان های به حاشیه رانده شده، تجربیات و خواسته های آنها باشد.²⁷" (شایسته پاتل)

بازخوانی تاریخ مفصل مبارزات آزادی خواهانه انقلاب ها و مردمان سرزمین های دیگر به ما امکان اندیشیدن درباره سیاست های انتقادی مکان و امکان های همبستگی که در فراسوی مرزها، تفاوتها و زمان روی می دهد می بخشد. برای فمینیست بومی ایرلند و فلسطین مبارزه با استعمار یک دستور کار فمینیستی است. مبارزه های که تنها با آزادی و دستیابی به حق تعیین سرنوشت برای مردم تحت استعمار به پایان می رسد. فمینیست های بومی در جریان مبارزات خود، «استقلال» و «ملت سازی» را امری جمعی می دانند.²⁸ به باور آنها مشروعیت مبارزه برای عدالت، آزادی، خودمختاری و حق تعیین سرنوشت، شرط و شروط ندارد از این رو همبستگی خود را با مقاومت فلسطین در همه اشکال آن ابراز می کنند و قاطعانه در برابر بی عدالتی و استعمار می ایستند. فلسطینی ها به ما یادآوری می کنند که استعمار زدایی انتزاعی نیست. مادی است.

²⁷ https://www.criticalethnicstudiesjournal.org/blog/2019/6/3/complicity-talk-for-teachingwriting-about-palestine-in-north-american-academia#_edn7=

²⁸ رانونا کوکانن: استعمار زدایی از جریان زنان

<https://bidarzani.com/28436/>

خشونت آمیز است. این محبوب نیست، تمام ساختارهای هیولای دنیای استعماری در برابر آن مقاومت و طغیان خواهند کرد. با این حال استعمار زدایی تنها راه پیش رو است و تنها راه زندگی است.

منابع فارسی

حماس: یک تحلیل تاریخی

دنیل دنویر : برگردان: سید سجاد هاشمی نژاد طارق بقعونی

<https://www.tajrishcircle.org/palestine8/>

استعمارزدایی از جریان زنان. برگردان: فائقه طباطبایی

<https://bidarzani.com/28436/>

تأملی فلسطینی در زمانه نابودی: سیزده مقام برای یک زندگی پس از مرگ، فادی جوده برگردان: مهتاب محبوب

<https://www.radiozamaneh.com/790252/>

سکوت درباره ی غزه، دیگر به عنوان یک گزینه پیش روی فمینیست ها نیست. مریم آلدوسری برگردان: کالکتیو ز.ز.آ

<https://t.me/ZZACOLLECTIVE>

منابع انگلیسی

Cullinane, J. Elizabeth Gurley Flynn: Forerunner of the Civil Rights Movement

<https://archives.evergreen.edu/webpages/curricular/2010-2011/ageofirony/aoizine/josie.html>

Ihmoud, S. 'Ghassa,' The Lump in One's Throat Blocking Tears and Speech:

<https://www.palestine-studies.org/en/node/1654463>

Jacobsen, L., 2020. *Women for Ireland: Republican Feminism in the Northern Ireland Troubles*. St. John's University (New York).

Jarrar, Kh. 2024. Freedom is Coming: Shattering Slavery and Emptying Prisons

<https://www.jadaliyya.com/Details/45699/Freedom-is-Coming-Shattering-Slavery-and-Emptying-Prisons>

Khan, A., 2023. Our boys & men deserve to live, not just our women & children

<https://wokescientist.substack.com/p/our-boys-and-men-deserve-to-live>

Mohanty, C.T., 1984. Under Western eyes: Feminist scholarship and colonial discourses. *Boundary 2*, pp.333-358.

Patel, Sh. 2022. Complicity Talk for Teaching/Writing about Palestine in North American Academia

https://www.criticalethnicstudiesjournal.org/blog/2019/6/3/complicity-talk-for-teachingwriting-about-palestine-in-north-american-academia#_edn7=

Wolfe, P. 2006. Settler colonialism and the elimination of the native

<https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/14623520601056240>

گفتگو با سارا احمد

<https://www.youtube.com/watch?v=i3jMfIPi5Dw>

https://www.youtube.com/watch?v=D7GbROi_Sgw&t=65s

https://www.youtube.com/watch?v=D7GbROi_Sgw

گفتگو با لیلا ابولغد

<https://www.youtube.com/watch?v=JQXwiAXIsrl>

سخنرانی های رمزی بارود

<https://www.youtube.com/watch?v=eINNvqncHCO>

<https://www.youtube.com/watch?v=ZmR9fwsBEts>

سخنرانی برنات دولین

<https://www.youtube.com/watch?v=oYGz32OAGto>

سخنرانی نادره شلهوب کوارکیان

<https://www.youtube.com/watch?v=r9RAGm-IlXI&t=2581s>